اعلام مستندهای راه‌یافته به جشنواره «مهر سلامت»

هیات انتخاب بخش مستند دومین جشنواره ملی فیلم کوتاه «مهر سلامت»، متشکل از علی‌محمد قاسمی، سیدمحمد طباطبایی، حسن نقاشی، نورالدین سلطانیان و مریم سپهری، ۲۳ اثر راه یافته به این بخش جشنواره را اعلام کرد. دومین دوره جشنواره ملی فیلم کوتاه «مهر سلامت» با شعار «هر ایرانی یک مهروز سلامت» ۲۴ تا ۲۷ آبان به دبیری سیدمهدی سیدین‌نیا به‌صورت آنلاین برگزار می‌شود. / سینماپرس

«یلدا» در سینماهای سوئیس

«یلدا» به کارگردانی مسعود بخشی و تهیه‌کنندگی علی مصفا چهارشنبه ۲۱ اکتبر مصادف با ۳۰ مهرماه در سینماهای سوئیس روی پرده رفت. یلدا، منتخب هفتادمین جشنواره جهانی برلین، برنده جایزه بزرگ داوران جشنواره ساندنس آمریکا در سال ۲۰۲۰، برنده جایزه بهترین فیلمنامه جشنواره صوفیه، برنده «جایزه بزرگ سینما» از مجله «اِل» و برنده جایزه بهترین کارگردانی اسکار ترکیه هم‌اکنون در سینماهای «هنر و تجربه» در ایران در حال اکران است. / سینماپرس

به مناسبت شهادت امام حسن عسکری (ع) سراغ شاعران جوانی رفته‌ایم که در رثای حضرت، شعر سروده‌اند

دیدیم سامرا همه‌اش کربلای توست

پیمان طالبی

ادبیات و هنر

شعر آیینی در طول زمان فراز و فرودهای بسیاری داشته است. در دوره‌ای ظلم و اختناق خلفا سبب شده که شاعر از ترس جان خود تقیه کند و در دوره‌ای دیگر شاعران گرامی داشته می‌شدند و جایگاه ویژه‌ای در جامعه داشتند. در طول زمان شرایط مختلف زندگی باعث شد که شاعران به برخی موضوعات بیشتر و به برخی دیگر کمتر بپردازند. با ظهور انقلاب اسلامی فضای فرهنگی کشور بستر مناسبی برای اشاعه فرهنگ سیره اهل بیت (ع) فراهم شد و در این بستر تمام هنرها بالنده‌تر شدند. شعر نیز از این قاعده مستثنا نبود و ابداع واژه «شعر آیینی» در این دوره، شاهدی بر این مدعاست. تا پیش از انقلاب موضوعاتی چون فاطمیه و شهادت حضرت زهرا (س) کمتر به محملی برای سرایش شعر تبدیل می‌شد و هرچقدر اشعار عاشورایی درخشانی در قالب‌هایی چون مثنوی و ترکیب‌بند در این دوره بسیار است، از اشعاری برای سایر ائمه کمتر نشانه‌ای می‌بینیم. این بحث، مبحث بسیار گسترده‌ای است که ریشه‌یابی آن به بررسی جامعه‌شناسانه حکومت‌ها نیاز دارد اما عجالتا باید گفت که یکی از مظلوم‌ترین امامان در شعر فارسی پیش از انقلاب، امام حسن عسکری (ع) است. تعداد شاعرانی که پیش از انقلاب به مساله ولادت و شهادت امام عسکری (ع) پرداختند متجاوز از انگشتان دست نیست. در این برهه زمانی شاعران شناخته‌شده‌ای چون غلامرضا سازگار و سیدرضا موید در سنین جوانی خود بودند و شاعر دوم در موضوع امام عسکری (ع) آثار قابل توجهی دارد و غزل «یاری که از رخسار او، قدر ثُریا بشکند» از این جمله است. همچنین در حوزه شعر آذری، مرحوم سیدرضا حسینی ملقب به سعدی زمان از شاعرانی است که پیش از انقلاب به این موضوع به طور ویژه نظر داشته است. اما تعداد شاعران به همین جا خلاصه می‌شود و سایر شاعران حضور چشمگیری در این عرصه نداشته‌اند. اما پس از انقلاب جوان‌های تازه‌نفس شعر آیینی عَلَم شعرسرایی برای پدر امام زمان (عج) را بلند کرده و بیش از پیش به سیره آن حضرت پرداخته‌اند. در این گزارش سراغ تعدادی از شاعران جوان رفتیم و از آنها خواستیم جدیدترین اشعارشان در مدح و منقبت امام عسکری (ع) را در اختیار جام جم قرار دهند.

باید این غبار غربت را زدود

هادی جانفدا

شاعر اهل بیت (ع)

بعد از انقلاب اسلامی حرکت‌های خوبی در حوزه شعر اهل بیت (ع) انجام شد. برای مثال در تاریخ شیعه شعر برای واقعه غدیر بسیار سروده شده اما در خصوص شعر فاطمی، باید گفت که تعداد اشعاری که به طور مشخص به ابعاد شخصیتی و شهادت حضرت زهرا (س) پرداخته باشد زیاد نیست. اما بعد از انقلاب اسلامی و با فضای بازی که در تعظیم شعائر به وجود آمد و همچنین با ترویج هرچه بیشتر شعر اهل بیت (ع) به این موارد بیشتر از پیش پرداخته شد و شعر فاطمی و مهدوی هم متولد شد.

یکی از دلایل مهجور ماندن حضرت امام حسن عسکری (ع) در شعر آیینی می‌تواند این باشد که ما به مصائب حضرات نگاه مناسبتی داریم. بعضی مناسبت‌ها در ایران با شکوه بسیاری برگزار می‌شوند مانند دهه محرم و عاشورا، عید غدیر و نیمه شعبان. نگاه مناسبتی بعضی شاعران متاسفانه سبب شده است که چون شهادت حضرت امام حسن عسکری (ع) بعد از پایان ماه صفر واقع شده و شیعیان دو ماه عزاداری کرده‌اند، شاید نگاه اذهان عمومی این است که ما بعد از ماه صفر، باید وارد فضای شادی شویم. این ترویج فضای شاد به جامعه پس از اتمام ماه صفر سبب شده که شهادت امام عسکری (ع) را چندان جدی نگیریم. حال آنکه هرکدام از مناسبت‌های مذهبی مربوط به اهل بیت (ع) اعم از ولادت و شهادت، بایست در جای خود تکریم شود و بزرگ داشته شود. نگاه دیگر این است که در مناسبت‌هایی که در ذهن مردم جامعه به عنوان مناسبت‌های بزرگ جای گرفته است، نقش حضرات معصومین (ع) را نمی‌توان به روشنی مشاهده کرد. یکی دیگر از دلایل این مساله این است که از آن جایی که افکار عمومی امروزه تحت تاثیر رسانه‌هاست و متاسفانه در رسانه‌های ما چندان به سیره و فضائل امامانی چون حضرت امام حسن عسکری (ع) پرداخته نمی‌شود، این حضرات در ذهن مردم ما مغفول مانده‌اند. ما در رسانه‌هایمان به موضوعاتی نظیر حضرت امام حسین (ع)، امام حسن (ع) و امام رضا (ع) پرداخته‌ایم و فیلم‌ها و سریال‌هایی با موضوع زندگی این حضرات تولید و پخش شده است اما در خصوص برخی از اهل بیت (ع) غفلت کرده‌ایم.

دلیل دیگر این است که اساسا از حیث فرهنگی برنامه‌ریزی برای شناساندن این حضرات انجام نمی‌شود. تا پیش از انقلاب، شاعران به طور خودجوش و براساس تکلیف شخصی به برخی موضوعات در شعر می‌پرداختند اما پس از وقوع انقلاب اسلامی، وقتی مقرر شد که کار فرهنگی شیعی انجام شود، گویی ما چندامامی شدیم و تعدادی از ائمه را در این مسیر فراموش کردیم. به عنوان مثال در حال حاضر کنگره‌های ادبی با موضوع عاشورا یا شعر فاطمی و رضوی در کشور بسیار است که سبب تشویق شاعران برای شعر گفتن در این موضوعات می‌شود. اما من فکر نمی‌کنم تاکنون کنگره شعری با موضوع امام حسن عسکری (ع) برگزار شده باشد!

به اعتقاد من بایست با برنامه‌ریزی درست فرهنگی این غفلت را جبران کرد و نگذاشت که پس از این همه ساله همچنان غبار غربت بر سیره و زندگانی حضرات معصومین بنشیند.

حضرت گندمگون

سلام حضرت گندمگون! سلام حُسن خدادادی
سلام شعر مجسم در معلقات دلِ هادی
بهشت روزنه‌ای دارد که رو به چشم تو وا مانده
تو بهترین غزلی هستی که از بهشت جدا مانده
سپیده‌ای متراکم در شبی سیاه، تو هستی تو
جهان دو دیده تار است و در آن نگاه تو هستی تو
در این سکوت که دریا را به پای پلك تو می‌ریزد
کدام حادثه می‌خوابد؟ کدام حادثه می‌خیزد؟
سلام بر تو که می‌آیی که عشق آمدنی باشد
و دلپذیرتر از این کو؟ که چهره‌اش حسنی باشد؟
لب تو مژده بارانی که از کرَم متولد شد
تویی که بین هرانگشت تو صد قلم متولد شد
قلم به دست گرفتی و حروف سمت تو لغزیدند
که از دریچه تو ذرات نور خالق خورشیدند
عبای سبز تو در زندان؛ بهشت وا شده در مرداب
صدای گرم تو در مجلس؛ اذان شهرِ سراسر خواب
نمی‌رسم به تو ناچارم رها کنم کلماتم را
به لهجه تو سخن گفتم که بشنوی صلواتم را
تو لشکر سکناتی که به عزم حیدری آغشته است
تو دستخط نقی هستی که جز به قاعده ننوشته ست
اگر که سجده کنی عالم، ملك به پای تو می‌ریزد
و ابرهای همه عالم به سامرای تو می‌ریزد

مرتضی حیدری آل کثیر

ارغوان

باید که دنیا فصل در فصلش خزان باشد
وقتی که با تو اینچنین نامهربان باشد
ای کاش که من نیز امشب زائرت بودم
جایی که فرزندت در آنجا روضه‌خوان باشد
انبوهی از اندوه و غربت موج خواهد زد
پای حسن هرگاه جایی درمیان باشد
وقتی حسن باشی دگر جای تعجب نیست
سقف مزارت هم زمانی آسمان باشد
وقتی حسن باشی دگر جای تعجب نیست
وضعت میان خانه چون زندانیان باشد
وقتی حسن باشی دگر جای تعجب نیست
خون دلت از کنج لب‌هایت روان باشد
آری حسن بودی ولی هرگز ندیدی که
گلبرگ روی مادرت چون ارغوان باشد
سخت است تشنه باشی و لب‌های لرزانت
حتی برای آب خوردن ناتوان باشد
هنگام برخورد لبت با کاسه آب است
وقت گریز روضه‌های خیزران باشد

محمدعلی بیابانی

یك چاردهم

سامرا، از غم تو، جامه‌دران است هنوز
چشم «نرگس» به جمالت، نگران است هنوز
دل شهزاده روم، آینه دلبری‌ت
تاك‌ها مست تو و این لقب عسکری‌ت
پسر حضرت هادی! به فدایت پدرم
پدر حضرت مهدی! به فدایت پسرم
حج نرفتی تو، ولی قبله حاجات شدی
تو خودت، عین صفا، مشعر و میقات شدی
کعبه، یك چاردهم، بی‌تو صفا کم دارد
بی‌تو، یك چاردهم، عطر خدا کم دارد
ماه زیبا! حسنِ دوم زهرا! برخیز
مهدی‌ت دل‌نگرانت شده، بابا! برخیز
باز هم جانِ جهان را، تو در آغوش بگیر
صاحب عصر و زمان را، تو در آغوش بگیر
روی زانو بنشان آینه طاها را!
تو ببوس از طرف ما، پسر زهرا را!
غم پرپر شدنِ چون تو کریمی، سخت است
به رقیه قسم! آقا! که یتیمی سخت است

قاسم صرافان

به نام عشق

اول به نام عشق، به نامت، به نام حُسن
ما که تحیریم همه در مقام حُسن
روی تو حسن، خوی تو حسن، ای تمام حُسن
نامت حسن شده است که باشی امام حُسن
دلدادگان نام توایم از قدیم‌ها
این نام مجتباست، کریم کریم‌ها

ای ذوالفقارِ منتظرِ در نیام، تو
ای قبله نرفته به بیت‌الحرام، تو
آیینه تمام قد ده امام، تو
روز ظهور آید و رکن قیام، تو
آری جهاد، معنی ذکر قنوت توست
فریاد مهدی‌ات ز حدیث سکوت توست

آه ای غریب، از وطنت دور بوده‌ای
در بند حقه‌های زر و زور بوده‌ای
در خانه‌ات اگرچه که محصور بوده‌ای
خورشید اسیر بند نشد، نور بوده‌ای
زندان تنگ خانه‌ات آری حرای توست

دیدیم سامرا همه‌اش کربلای توست

ای دل ز داغ غربت آقا چه می‌کنی
آتش! میان سینه مولا چه می‌کنی؟
دنیای بی‌امام، تو حالا چه می‌کنی
ای سم به جان زاده زهرا چه می‌کنی
آه ای غریب، داغ تو تا بیکرانه رفت
دشمن به زهر خود جگرت را نشانه رفت

ای باغ حُسن، دست خزان کرد پرپرت
هر آنچه داشت دشمنت آورد بر سرت
از زهر کینه آب شده جسم اطهرت
گفتند تشنه لب شده‌ای روز آخرت
گفتی به زیر لب تو در آن لحظه یا حسین
ای تشنه لب‌تر از همه تشنه‌ها حسین

لب تشنه بود سنگ به لب‌های او زدند
دستی به آیه‌های خدا بی‌وضو زدند
نیزه به روی مخزن راز مگو زدند
با خنجری که کند شده بر گلو زدند
کردند بی‌ملاحظه با آن بدن چه کار
می‌خواهد این تن پر نیزه کفن چه کار؟

محمد رسولی